و فرعون و کسانى که پیش از او بودند و [مردم‌] شهرهاى سرنگون شده [سدوم و عاموره‌] مرتکب خطا شدند. (9) و از امر فرستاده پروردگارشان سرپیچى کردند، و [خدا هم‌] آنان را به گرفتنى سخت، فرو گرفت. (10) ما، چون آب طغیان کرد، شما را بر کشتى سوار نمودیم. (11) تا آن را براى شما [مایه‌] تذکرى گردانیم و گوشهاى شنوا آن را نگاه دارد. (12) پس آنگاه که در صور یک بار دمیده شود. (13) و زمین و کوه‌ها از جاى خود برداشته شوند و هر دوى آنها با یک تکان ریز ریز گردند. (14) پس آن روز است که واقعه [آنچنانى‌] وقوع یابد. (15) و آسمان از هم بشکافد، و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد. (16) و فرشتگان در اطراف [آسمان‌]اند، و عرش پروردگارت را آن روز، هشت [فرشته ] بر سر خود بر مى‌دارند. (17) در آن روز، شما [به پیشگاه خدا] عرضه مى‌شوید، [و] پوشیده‌اى از شما پوشیده نمى‌ماند. (18) اما کسى که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، گوید: «بیایید و کتابم را بخوانید. (19) من یقین داشتم که به حساب خود مى‌رسم. (20) پس او در یک زندگى خوش است: (21) در بهشتى برین، (22) [که‌] میوه هایش در دسترس است. (23) بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به [پاداش‌] آنچه در روزهاى گذشته انجام دادید. (24) و اما کسى که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود، گوید: «اى کاش کتابم را دریافت نکرده بودم. (25) و از حساب خود خبردار نشده بودم. (26) اى کاش آن [مرگ‌] کار را تمام مى‌کرد. (27) مال من، مرا سودى نبخشید. (28) قدرت من از [کف‌] من برفت. (29) [گویند:] «بگیرید او را و در غل کشید. (30) آنگاه میان آتشش اندازید. (31) پس در زنجیرى که درازى آن هفتاد گز است وى را در بند کشید. (32) چرا که او به خداى بزرگ نمى‌گروید. (33) و به اطعام مسکین تشویق نمى‌کرد. (34)